با حضور مشاوران رسانه ای و مطبوعاتی رئیس جمهور بررسی شد

تعامل دولت و رسانه ها

گروه سیاسی: سید احمد نجفی- در فاصله یک هفته از بازدید ۹ ساعته رئیس جمهوری از صدا و سیما یاران رسانه‌ای دکتر احمدی نژاد با حضور در برنامه زنده رادیو گفت و گو به تبادل نظر با کارشناسان درباره چگونگی تعامل دولت و رسانه ها پرداختند. در این برنامه ۱/۵ ساعته مهدی کلهر، مشاور اطلاع رسانی و رسانه رئیس جمهوری و نماینده دکتر احمدی نژاد در شورای نظارت بر صدا و سیما، علی اکبر جوانفکر، مشاور مطبوعاتی رئیس جمهوری و دکتر عطاءالله ابطحی، استاد دانشگاه و متخصص ارتباطات و رسانه حضور داشتند که محمد قوچانی، روزنامه نگار نیز اواسط برنامه با حضور در استودیو دیدگاه های خود را در این ارتباط مطرح کرد. گزارش فشرده ای از این مباحثه خواندنی را در پیش رو دارید.

سؤال روشن است: تعامل دولت و رسانه چیست و این رابطه را چه کسی تعریف می کند؟ آیا مقید به قانون اساسی و یا قوانین موضوعه است یا اینکه می توان در هر مقطع تاریخی آن را هرگونه که دوست داشتیم تعریف کرد .

کلهر: اجازه بدهید اشاره ای به وضعیت صدا و سیما در قبل از انقلاب که رادیو و تلویزیون ملی بود و آن زمان تنها وسیله ارتباط جمعی به شمار می رفت داشته باشم. زمانی که انقلاب پیروز شد، صدا و سیما بخشی از وزارت اطلاعات و جهانگردی بود و از شبکه های سیما تنها شبکه ای که راه اندازی شده بود همین شبکه یک بود. علت اینکه بسیاری از نگاه های انقلاب اسلامی با موجودی آن زمان صدا و سیما متفاوت بود، در پخش برنامه ها یک علامت سؤال و یک نیاز جدید مطرح می شد، اعم از موسیقی، فیلم سینمایی و... با توجه به اینکه من جزو نخستین کسانی که آن زمان به لحاظ سوابق و تحصیلات وارد صدا و سیما شدند، بودم، در حالی که به لحاظ سازمانی من مشاور وزیر آموزش و پرورش دولت موقت بودم ولی کار رسانه را تیمی انجام می دادیم. دوستانی بودند که در وزارت فرهنگ و آموزش عالی و دوستانی هم در صدا و سیما دست به دست هم می دادیم تا این نیازها را برطرف کنیم. در سال ۵۸ با توجه به ضرورت داشتن تلویزیون ۲ که هنوز هم به لحاظ املاک جزو وزارت آموزش و پرورش است یک طرح خلاصه ای خدمت حضرت امام (ره) تقدیم شد و ایشان هم بلافاصله تصویب کردند و راه اندازی شد که حداقل ۲ گروه سلیقه را بتواند در جامعه پاسخگو باشد.

یعنی آن زمان باز تعریفی در فعالیت های صدا و سیما در حال شکل گرفتن بود؟

کلهر: بله. در حوزه رادیو هم چندسالی بود که ۲۴ ساعت شده بود. به نظر من این ورود به عصر اطلاعات در کشور ما مسأله مهمی است که باید به آن توجه شود و ما به ازای آن رادیو و تلویزیونی است که باید ببینیم چگونه می تواند پاسخگو باشد.

انقلاب اسلامی به خوبی نشان داد که رادیو و تلویزیون وظیفه اش بزرگتر از آن است که بخشی از یک وزارتخانه باشد و از همان سال های اول پس از پیروزی انقلاب، این ضرورت را تمام گردانندگان صدا و سیما احساس می کردند که صدا و سیما به خاطر پیام گسترده و عمیق انقلاب اسلامی باید خود را آن قدر ارتقا دهد که زیر نظر مقام معظم رهبری واقع شود. در حالی که در قانون چنین چیزی نبود و آن موقع قانون می گفت فیلم هایی که تلویزیون برای نمایش تهیه می کند باید مجوز آن را از وزارت فرهنگ و هنر بگیرد و آن زمان دیدیم که دیگر صدا و سیما نمی تواند زیر فصل چند وزارتخانه دولتی و سازمان و نهاد و امثال اینها باشد. البته تحقق این موضوع تا زمان شکل گیری قانون اساسی طول کشید و براساس اصلاحات بعدی این قانون، این سازمان زیر نظر شورای نظارتی فعالیت کرد که از هر قوه، دونماینده در آن حضور دارند و نظارتی در همه حوزه هاست. اگرچه این نظارت اکنون انجام نمی شود چون این شورا با محدودیت پرسنل روبه رو است.

یعنی ضرورت تحقق این نظارت وجود دارد؟

کلهر: قوانین اساسی مثل اعتبار می ماند که در مجلس خرد می شود تا به اصطلاح قابل استفاده کردن در بازار باشد.

آنچه اکنون می فهمیم صدا و سیما زیر نظر مدیر این سازمان که توسط مقام معظم رهبری انتخاب شده و تفویضی که اخیراً ایشان به شورای نظارت بر صدا و سیما داشته اند فعالیت می کند . این را تأیید می کنید؟

کلهر: تعریف مقام معظم رهبری این بود که شورای نظارت، حکم مجلس شورای اسلامی را دارد و صدا و سیما حکم دولت را و ایشان گفتند روزی که شورای نظارت بتواند قوانین خود را که باید خیلی گسترده تر از این چند بندی که در قانون اساسی است باشد را به مجلس با یک نهاد قانونگذار ببرد و تبدیل به یک کتاب قانون شود . بر این اساس رابطه کاملاً روشن است و البته براساس تجربه تاریخی، شورای نظارت بهترین رابطه را با سازمان صدا و سیما و مدیریت آن دارد. این موضوع آنقدر شفاف است که اصلاً قابل قیاس با گذشته نیست.

آیا اشاره شما به این سیر تاریخی به این دلیل است که ما هنوز وضعیت مستقری پیدا نکرده ایم و یا این که معتقدید عوارضی که به آن دچار هستیم به دلایل اینجنیبی است و نیز سیری که گذرانده ایم؟

کلهر: من چند مسأله را مدنظر داشتم: در مسیر استقرار هستیم، در مسیر تفسیر درست قانون اساسی و نیازهای عصر و زمان و براساس رشد انقلاب اسلامی حرکت می کنیم . می خواستم این را عرض کنم که اگر در قدیم رادیو و تلویزیون دولتی بود، امروز رادیو و تلویزیون نظام است و این موضوع ضرورتش از همان روزهای اول پس از پیروزی انقلاب احساس شد. اما به این معنا نیست که از دولت جداست. چون دولت ما به طور جداگانه برای خودش صدا و سیما ندارد؛ اگر قرار بود که صدا و سیمای ما با دولت کاری نداشته باشد قاعده اش این بود که دولت اجازه داشته باشد صدا و سیمای مختص خود را داشته باشد. در حوزه مطبوعات و رسانه می توانیم این کار را بکنیم که دولت خبرگزاری و روزنامه داشته باشد. ولی در مورد صدا و سیما چنین چیزی نیست یعنی دولت به عنوان بدنه اجرایی نظام ده شده که این صدا و سیما قطعاً باید به اهداف نظام که بخشی اش قوه مجریه است، بپردازد.

شما فکر می کنید آنتن و شبکه مستقل جداگانه برای دولت ضرورت دارد؟

کلهر: خیر. ما فکر می کنیم همانگونه که آقای ضرغامی گفتند این رسانه در اختیار دولت است چرا که قسمت اجرایی نظام با دولت است.

آقای ابطحی شما چه توضیحی در این باره دارید؟

ابطحی: رسانه باید اشکالات و مشکلات را به گونه ای منعکس کند که برآیندش این نباشد که با دولت دعوا دارد، حتی اگر گرایش سیاسی آن با دولت های مختلف تفاوت داشته باشد. لذا مهم نیست که کدام دولت باشد بلکه موجودیتی با نام یاران اسلامی داریم که باید از آن صیانت شود. بنابراین رسانه نباید به سمت مباحثی برود که برآیند آنها باعث شود مخاطب احساس کند در کشوری زندگی می کند که این همه خرابی و مشکل دارد با وجود این که رسانه باید مشکلات و اشکالات را منعکس کند.

یعنی شما فقط به نقادی محدود می شوید؟

ابطحی: نه نقادی صرف. نکته مهم تر این است که ما باید به همدلی و هم اندیشی برسیم و رسانه نوعی تعامل میان دستگاه ها و صاحبان فکر و اندیشه ایجاد کند که متأسفانه هم اکنون این تعامل در رسانه های ما وجود ندارد فرض کنید در بسیاری کشورها بسیاری از خبرها ساخته می شود برای رساندن پیامی به دولتمردان . ما در این زمینه خیلی عقیم و وقتی مشکلاتی نظیر خرابی شبکه تلفن همراه و گرانی رخ می دهد به خاطر آن مشکلات به سراغ یک دستگاه می رویم در حالی که باید این تعامل را به وجود بیاوریم که مجموعه دولت روزنامه ها را ورق بزنند و برنامه های صدا و سیما را نگاه کنند تا ایده های تازه بگیرند و انرژی مضاعفی برای کار خود به دست آورند، با وجود همه مشکلاتی که وجود دارد.

یعنی درباره وجود این حس احساس خلأ می کنید؟

ابطحی: فکر می کنم در این زمینه مشکل اساسی و تاریخی داشته باشیم.

و اما آقای جوانفکر، انتظار شما از رسانه ها چیست؟

جوانفکر: رسانه های ما در وضعیت امروز دچار آسیب هایی هستند که این آسیب ها را خود رسانه ها در درجه اول باید شناسایی کنند و نسبت به رفع آن ها اقدام کنند. در نشست هایی که با مطبوعات کشور داشته ام، این نکته را تذکر داده ام که خوب است نشستی وجود داشته باشد که این آسیب شناسی با زاویه دید کارشناسی دنبال شود و نسبت به برطرف کردن آنها گامهای بلندی برداشته شود و دولت هم قطعاً در مسیر از بین بردن آسیب ها از رسانه ها حمایت می کند. همانطور که متقدیم احزاب درکشور ما به شکل علمی به وجود نیامده اند، متأسفانه این مسأله درباره احزاب ما صدق می کند.

اگر فراز و فرودهای رسانه ها را بعد از انقلاب بررسی کنید مشخص می شود که هرگاه رسانه هایی با اهداف کسب قدرت شکل گرفتند، این رسانه ها به سرعت ناپدید شدند و هیچ وقت در کشور ما ریشه دار نبودند. توقع ما این است که رسانه ها نقش اساسی و کلیدی خود را فدای اهداف و اغراض سیاسی مقطعی نکنند و آن اهداف اساسی هم چیزی جز اطلاع رسانی و انتقال پیام نیست.

همانگونه که ویژگی امین بودن پیامبر گرامی اسلام (ص) برای انتقال پیام ویژگی بسیار مهمی بود، بخش مهم کار رسانه این است که اعتماد مردم را جلب کند، امین آنها باشد و بی طرف درانتقال اخبار و اطلاعات عمل کند. تصور می کنم یکی از آسیب های رسانه ها به دلیل وابستگی های گروهی و حزبی رخ می دهد که بسیاری از اینها به آن مبتلا هستند.

درباره صدا و سیما هم این موضوع صدق می کند؟

جوانفکر: خیر. من رسانه ملی را در این بحث وارد نمی کنم.

آنچه مد نظر شماست آیا در ساخت فعلی سیاسی جامعه شکل می گیرد؟

جوانفکر: به همین خاطر بود که عرض کردم دولت و رسانه ها باید در کنار هم قرار بگیرند. ما معتقدیم رسانه ها و دولت اعضای یک خانواده اند، به این معنا که اهداف مشخص و روشنی را که در شورای نظارت دنبال می کنند و آن آرزوها و آرمان های مردم و اهداف ملی است.

ولی احزاب این رؤیاها را به شکلی متفاوت تعریف می کنند.

جوانفکر: بالاخره به دنبال هدف مشخصی هستیم اما از طریق مسیرهای متفاوت بنابراین در اینجا اعضای یک خانواده محسوب می شوند و از این رو باید در کنار هم قرار بگیریم و کمک کنیم که به هدف برسیم.

از طرفی این موضوع که شما اشاره کردید یک واقعیت است تا زمانی که رویکرد رسانه ای ما مبتنی بر خروج قدرت از دست یکی و سپردن آن به دیگری باشد ما از اهداف اصلی فاصله می گیریم و در واقع خود را از عضویت در یک خانواده محروم می کنیم و این اشتباهی است که هم اکنون برخی روزنامه های کشور مرتکب می شوند.

تصور می کنم اگر آسیب هایی که متوجه رسانه هاست در یک همایش علمی بررسی شود و برای برطرف کردن آنها گامهایی برداشته شود ما می توانیم رسانه هایی با کارکردهای اصلی داشته باشیم که آنها بتوانند نقش خود را در جامعه به خوبی ایفا کنند.

مجموعه مباحث مطرح شده به سه محور در حوزه تعامل رسانه و دولت اشاره می کند: انتقال خبر واطلاعات، نقد و ایده پردازی ها . آقای قوچانی، شما چگونه این تعامل را تعریف می کنید؟

قوچانی: اگر بخواهیم بحث را وارد مرحله تازه ای کنیم باید در مفهوم رسانه ملی که در سال های اخیر باب شده است، مقداری تأمل کنیم. می خواهم صحبت هایم را با اشاره ای به گفته آقای احمدی نژاد در سفر به آمریکا شروع کنم که ایشان گفته بودند دولت ایران وضعیتش به گونه ای است که حتی روزنامه رسمی دولت توقیف شده است و دولت کاری را برای بازگشایی این روزنامه نمی تواند انجام دهد و یا حداقل تلاشی که بتواند انجام دهد در چارچوب همین مجاری است. با توجه به این فرمایش جناب رئیس جمهوری این پرسش را مطرح می کنم که آیا دولت فقط یک رسانه در کشور دارد؟ آیا روزنامه ایران که ما از انتشار مجدد آن خیلی خوشحال هستیم تنها روزنامه ای است که متعلق به مجموعه دولت است؟

فکر می کنم مفاهیم در ایران آشفتگی دارد. در بحث های سیاسی وقتی که ما از دولت صحبت می کنیم معمولاً سعی می کنند دولت و حاکمیت را از همدیگر تفکیک کنند. متأسفانه این اتفاق زیاد رخ نمی دهد و حرف آقای احمدی نژاد به یک تعبیری درست است. رسانه ای که رسماً متعلق به قوه مجری جمهوری اسلامی ایران است روزنامه ایران است اما به نظر می رسد همه رسانه ها از جمله صدا و سیما، بیش از آنکه به مفهوم ملی نزدیک باشد، رسانه ای دولتی هستند. با تلاش هایی که در سالهای اخیر بخصوص در دوره آقای ضرغامی در صدا و سیما دنبال شده، فضا را به سمتی برده که به جای اینکه بنده از یک رادیوی خارجی با مخاطب خودم صحبت کنم یا اینکه مثلاً سکوت کنم می توانم از رسانه صدا و سیما سخن بگویم، اما نمی دانم این اتفاق چند بار تکرار خواهد شد و افرادی نظیر من فکر می کنند که در بخش های مختلف خبری که در سالهای گذشته راه اندازی شده به نوعی گاهی صدای دیگر شنیده می شود. اما به نظرم گاهی منقطع و بریده است.

در حال حاضر به نقد رادیو تلویزیون می پردازید یا به بحث تعامل دولت و رسانه؟

قوچانی: آسیب شناسی رسانه و دولت را از همین زاویه و دید می بینم. رسانه هایی که در کشورهای دیگر دولت دارند از حوزه ای غیر از حوزه دولت شکل گرفتند یعنی مثلاً روزنامه ای در انگستان توسط سرمایه داری منتشر می شده و کالای خودش را در آن تبلیغ می کرده و بعدها به آن گفتند که دوتا خبر هم در کنار آن تبلیغات چاپ کنید. در ایران این قضیه کاملاً برعکس است و اصلاً تقصیر را متوجه دولت فعلی نمی دانم و قصد دارم بحث تاریخی در این زمینه داشته باشم. در تاریخ مطبوعات ایران دو نوع نشریات را داشتیم، نخست نشریاتی که به معنای کامل کلمه دولتی بودند و دیگر روزنامه هایی که ضد دولت و مخالف آن بودند. این وضعیت دوگانه در سال های بعد به صدا و سیما و رسانه های دیداری و شنیداری تسری پیدا کرد و دولت رسانه ها را به قبضه خودش درآورد که نقطه ضعف دولت هم اینجاست.

روزنامه های ایران و همشهری در دولت ها و سیستم هایی به وجود آمده که قاعدتاً من نباید خیلی منتقد آنها باشم. می بینید که اراده این است رسانه دولتی به وجود آید. دوباره روزنامه جام جم از یک جناح دیگر در همین سیستم شکل می گیرد. پنج روزنامه که پرتیراژترین روزنامه های کشور ما هم هستند به نوعی به حاکمیت وابسته اند، اجزای حاکمیت که حتماً وظیفه آن را دارند که رعایت حال دولت را بکنند. نمی شود که در یک نظام سیاسی شهرداری علیه دولت اقدام کند ولو شهرداری فردا به دست یک جناح دیگر بیفتد و ناخودآگاه یک وضعیتی را به وجود می آورد که یک انحصار رسانه ای شکل می گیرد.

در این وضعیت همه چیز مثل هم بیان می شود و همه اخبار مانند هم تنظیم می شود. اگر آزاداندیشی هم باشد که هست و من وجود آن را نفی نمی کنم، آن آزاداندیشی مال مدیران آنجاست که معتقدند حالا کس دیگری هم بیاید و کنار ما بنشیند و از این منبع استفاده کند.

به هر حال اداره آن رسانه با بخشی از حاکمیت است که باید متناسباتش را با دولت رعایت کند. در مورد صدا و سیما این موضوع به طریق اولی اتفاق می افتد. صدا و سیما به لحاظ هزینه های زیادی که دارد به نوعی از دولت ارتزاق می کند. در اکثر کشورهای اروپایی و حتی در انگلستان، بی.بی.سی جزوی از دستگاه دولت محسوب می شود. اگرچه در کشورهایی مثل آمریکا رسانه های نیمه خصوصی و شاید به لحاظ مالی مستقل تر از دولت وجودداشته باشد ولی به نظر می رسد که سیطره بر نهاد رسانه دیداری و شنیداری در انحصار دولت و شبه دولت هاست ولی سعی می شود رسانه، نقش خود را به عنوان رسانه ملی تعریف کند، فرایندی که فکر می کنم می خواهد در صدا و سیما اتفاق بیفتد و همین رادیو گفت وگو نمونه اش است اما هنوز در اول راه است.

درمورد صحبت های آقایان کلهر و جوانفکر که اشاره کردند ما نمی خواهیم بگوییم دولت باید یک شبکه اختصاصی خودش داشته باشد زاویه دید خوبی است اما سؤال اینجاست که حجم تبلیغاتی دولت هایمان در تلویزیون چقدر است؟ و همچنین آیا اخبار مربوط به دولت باید همواره درصدر اخبار تلویزیون قرارگیرد؟

جوانفکر: اجازه دهید به این نکته اشاره کنم که کشور ما در قیاس با بسیاری از کشورهای دنیا در وضعیت بسیار پیشرفته ای است. اگر ما وضعیت خودمان را حتی با آن گروه از کشورها که معتقدند حد بالایی از آزادی را دارند مقایسه کنیم می بینیم که وضعیت کشور ما کاملاً استثنایی است.

ما در کشوری زندگی می کنیم که طیفی از نمایندگان در مجلس تحصن کردند وپشت سر خود هم پلاکاردی به زبان انگلیسی برای آن طرف آبها زدند و علیه ارکانی از نظام موضع گرفتند. می خواهم بگویم که چنین ظرفیتی از آزادی در کشور ما وجوددارد که در دنیا بی نظیر است.

وقتی ما در عرصه های سیاسی می بینیم چنین ظرفیتی وجوددارد مطمئن باشید در عرصه مطبوعات هم این آزادی وجوددارد که یک سری از رسانه ها وجودداشته باشند که از دولت ارتزاق کنند ولی اصلاً با دولت همصدا و همدل نباشند. الآن عموم بودجه مطبوعات از دولت تأمین می شود.

کلهر: دقیقاً همینطور است یعنی کاغذ، فیلم و زینک را دولت تأمین می کند و ۹۲ درصد تبلیغاتی که مطبوعات با آن ارتزاق می کند از طریق شرکت های دولتی است و زمانی که این تبلیغات یک مقدار کم شد، واقعاً یک سری از مطبوعات جابه جا شدند ونگرانی خیلی جدی در دولت آقای احمدی نژاد به وجودآمد وگفتیم که اصلاً این دو را با هم بحث نکنیم یعنی با رویکرد مطبوعه که با دولت همراه نیست کاری نداشته باشیم و بگذاریم شهرزیبایی از روزنامه نگاران زندگی خود را بکنند. مایلم درباره نگاه رسانه ای در نظام جمهوری اسلامی بحث های دیگری هم داشته باشیم. اما اینکه چون دولت پول می دهد و حتماً خروجی رسانه دولتی است را قبول ندارم.

جوانفکر: ما روزنامه هایی را داریم که با ۵هزار تیراژ منتشر می شود و جالب اینجاست که مصرف کننده اصلی اش هم خود دولت است. درهمین حال ما روزنامه هایی را داریم که به بحث مخالفت با دولت نهم اصالت می دهند و با هر تصمیم دولت مخالفت می کنند.

در حالی که همین تعداد از رسانه ها با دولت گذشته چنین رفتاری را نداشتند و آن را نقد نمی کردند.

یعنی رسانه های دیگری نبودند که با آن دولت، رفتار مشابهی داشتند؟

جوانفکر: این گونه تعامل نمی کردند و واقعاً در دوران بعد از انقلاب ما هیچ دولتی را نداشته ایم که مثل دولت نهم این حد محبوب و موردعلاقه مردم باشد و متأسفانه تا این حد مورد تهاجم رسانه های مکتوب قرارگیرد.

ولی دولت قبل هم چنین ادعایی را داشت.

جوانفکر: ولی واقعاً این گونه نبود. آمار وزارت ارشاد نشان می دهد که ۵۲ درصد رسانه های ما درحال حاضر علیه دولت فعالیت می کنند.

وقتی من خودم کارمی کنم و دیگران مرا نقد می کنند خیلی سخت است و اندازه تأثیرش بسیار متفاوت از زمانی است که کسی آقای قوچانی و یا آقای ابطحی را نقد می کند. اندازه، آمارها و کیفیت نقد متفاوت است.

کلهر: دکتر احمدی نژاد به غلط معروف شده به فردی که انتقادپذیر نیست. من همان اوایل فعالیت دولت مصاحبه ای کردم که شاید بیشتر برد خارجی داشت و گفتم ایشان را خیلی می پسندم چون درزمان شهرداریش جشنواره انتقاد گذاشت و به انتقادهایی که از وی شده بود جایزه می داد. بعد از رأی آوردن ایشان و حتی قبل از مراسم تحلیف، من مشخصاً درباره ارتباط با رسانه ها با ایشان صحبت کردم. دکتر احمدی نژاد به صورت خیلی شفاف گفتند که به هیچ وجه نمی خواهم تعامل ما با رسانه ها به معنای تأیید و ستایش کارهایم باشد و بلکه از این نقدها که بسیاری از آنها می تواند ناروا باشد می خواهم برای اصلاح و تصحیح راه و روش خودم بهره بگیرم.

به خاطر دارم که آقایان احمدی نژاد، خاتمی و هاشمی هر سه این ادعا را داشته اند که در تاریخ ایران، تا این اندازه دولتی مورد نقد نبوده است. من فکر می کنم دولت بعدی هم چنین ادعایی خواهد داشت.

جوانفکر: البته ما چنین ادعایی را نداریم و ما می گوییم که ای کاش نقد وجودداشت.

من می خواهم بگویم که در این دولت ها، هیچ یک از آقایان تاب تحمل و پذیرش نقد را آنچنان که ادعا می کنند نداشتند.

جوانفکر: این طور نیست. ما که به نمایندگی از دولت نهم خدمت شما هستیم. اعلام می کنیم که در مقابل خودمان نقد نمی بینیم وآنچه هست توهین، تخریب واهانت است و این بی نظیر است که رئیس جمهوری را که منتخب مردم است در رسانه ها موردانواع اهانت ها قرارمی دهند. درحالی که نقد چارچوبی و تعریفی دارد که باید در جایش به آن بپردازیم. درمورد نکته ای هم که آقای قوچانی درباره حضور دولت در رادیو و تلویزیون مطرح کردند هم باید توجه داشت که دولت نهم یک دولت پرکار و بسیار پرتلاش است، سفرهای استانی دارد، ارتباطاتش با مردم بسیار تنگاتنگ و نزدیک است. دولت در هر هفته دو جلسه کاری دارد و در سفرهای استانی هم جلسه کاری دارد، بنابراین دولت با چنین ظرفیتی که خودش مولد خبر است، طبیعی است که آخباراش در رسانه ها ازجمله رسانه ملی پخش شود و موردتوجه قرار گیرد.

نکته ای که آقای قوچانی مطرح کردند درباره خبر نبود، بلکه حجم کار تبلیغاتی بود .

قوچانی: باید این نکته را عرض کنم که بنده به نمایندگی از هیچ دولتی دراین برنامه حضورنیافته ام. نقدی که من دارم نقدی به همه دولت ها در ایران است و آن نقد را می توانم به دولت آقای هاشمی و آقای خاتمی و دولتهای گذشته هم وارد کنم. چون این بحث به طور جدی تر در ۱۶ سال گذشته در رسانه ها مطرح شده است. خب به طور مشخص می شود درباره سه رئیس دولت صحبت کرد. ساختار رسانه در ایران، ساختار دولتی حکومتی بوده است و این موضوع محدود به جمهوری اسلامی نیست. اتفاقاً اگر روند کنونی صدا و سیما پی گرفته شود و توسعه یابد ممکن است اتفاقی دراین حوزه بیفتد.

جوانفکر: پس شما می فرمایید که همه رسانه های ما ساختار حکومتی دارد. واقعاً این طور نیست و برخی رسانه هایی که در داخل کشور ماشکل گرفته اند به واسطه رانت هایی است که در پشت پرده وجوددارنده است.

قوچانی: اجازه دهید این نکته را به عنوان یک روزنامه نویس و نه ناشر روزنامه مطرح کنم از دولت خواهش دارم که به طور مشخص یارانه ها را قطع کند، اصلاً نمی خواهیم دولت روزنامه ما را بخرد. خیلی روشن وصریح خدمتتان عرض می کنم که آن روزنامه ای که ۵ هزار تا تیراژ دارد و با درآمد ناشی از محل آگهی های ثبت اسناد منتشر می شود، آن روزنامه تعطیل شود بهتر است. چرا که روزنامه باید روی پای خودش بایستد.

البته یک خواهش دیگر هم دارم و آن این که روزنامه های دولتی با قیمت ۵۰ تومان و در تعداد صفحات زیاد و تیراژ بالا و توزیع گسترده اصلاً نباشند. این نقد من به دولت فعلی نیست، بلکه به دولت آقای هاشمی انتقاد می کنم که روزنامه همشهری دراین دوره با سرمایه گذاری بزرگ دولت به وجود آمده و قیمت واقعی آن باید در ایران ۲۵۰ تومان باشد. اما ۵۰ تومان به فروش می رسد؛ بنابراین رقابت روزنامه ها، رقابتی برابر نیست.

این مردم هستند که باید روزنامه ها را بخرند و اگر اما نخریدند روزنامه باید تعطیل شود. آگهی روزنامه را هم نباید دولت بدهد...

جوانفکر: روزنامه همشهری ربطی به دولت ندارد و یکی از مهمترین منتقدان دولت همین روزنامه است.

قوچانی: ما با پدیده ای مواجه هستیم به نام حوزه نهادهای عمومی غیردولتی که از امکانات عمومی استفاده می کنند. روزنامه های جام جم و همشهری به این شکل فعالیت می کنند، یعنی حوزه نهاد دولت به معنای قوه مجریه نیستند اما جزو نهاد دولت به معنای State و حکومت هستند و دارند از امکانات عمومی استفاده می کنند. از طرفی به دلیل ساختار دولتی اقتصاد ایران، بخش عمده آگهی های روزنامه ها را آگهی های دولتی تشکیل می دهد و یک سری ازاین آگهی ها در مناسباتی به روزنامه ها داده می شود که ملاحظه دولت را بکنند و شرکت های خصوصی اقتصادی که به فکر آینده فعالیت خود هستند در دادن آگهی های خود به روزنامه های منتقد صریح دولت دقت می کنند.

جوانفکر: در دوره گذشته هم خلاف این موضوع وجوددارد. شما موضعی را مطرح می کنید گویا که این قانون است...

قوچانی: من درباره این که فرمودید دولت نهم محبوب ترین دولت است قضاوتی نمی کنم. این موضوع را می پذیرم که دولت آقای احمدی نژاد دارد تمرین دموکراسی می کند اما بدانید که همین دولت آقای احمدی نژاد بود که روزنامه شرق را توقیف کرد.

کلهر: اما هیأت نظارت بر مطبوعات روزنامه ایران را هم توقیف کرد و این هیأت متشکل از همه قواست.

قوچانی: ولی در دولت گذشته هم از ناحیه روزنامه هایی که منسوب به نظام بودند، مهمترین وبدترین نقدها را متوجه دولت و مجلس این کشور کردند و الآن هم فکر می کنم تیراژ اصلی روزنامه های منتقد دولت در قیاس با چند روزنامه اصلی کشور هیچ محسوب می شود.

کلهر: بحث درباره عرصه ای که درباره آن تبادل نظر شد می تواند خیلی مفید باشد. چون رسانه های دنیا یک الگوی غربی در آنها وجود دارد که براساس آن، آنتی تز و سنتزی است که از جامعه دریافت می کند. یعنی در تمدن لیبرال دموکراسی غربی پذیرفته شده است که رسانه بدون هیچ مرز اخلاقی، کاملاً مخالف باشد و در مقابل گروه دیگری هم موافق باشند و نهایتاً، نتیجه و سنتز را مخاطب دریافت کند و کم و بیش این الگو در غرب وجوددارد و در کشور ما مثل خیلی از کشورهایی که ترجمان تمدن غربی را داشته در هر دوره ای تجربه شده است.

بعد از انقلاب هم بسیاری معتقد بودند که این الگو را در کشور داشته باشیم ولی حضرت امام (ره) این نوع تقابل یعنی یک رادیوی موافق و یک رادیوی مخالف را از اساس در فرهنگ و تمدن اسلامی نمی دیدند، درحالی که مناظره و گفت وگو را می دیدند. همچنانکه رادیو گفت وگو را ما هم اکنون داریم و باید با بی.بی.سی و صدای آمریکا فرق کند. اما این به معنای آن نیست که حرفها و اشکال هایی که دراین دوشبکه درباره ایران زده می شود، در رادیو گفت وگو زده نشود. همانطور که آقای جوانفکر اشاره کردند چیزهایی از رسانه های ما پخش شد که واقعاً رسانه های دشمن آن را علیه ما پخش نکردند. این ظرفیت آزادی را باید قدر دانست.

جوانفکر: نکته دیگری که درخصوص فعالیت رسانه های مکتوب به ذهنم می رسد این است که غالباً مسائل مرتبط با دولت را از متن خارج می کنند و به حاشیه می پردازند. به طور مثال وقتی رئیس جمهور ما به رئیس جمهور آمریکا نامه می نویسند و پیام جدیدی را به افکار عمومی ایران و دنیا منتقل می کنند ناگهان از دستور کار خارج می شود و فردای آن روز تیتری از یک امام جمعه که در مخالفت با این موضوع سخنرانی کرده برجسته می شود. اینکه حاشیه سازی و حاشیه پردازی در دستور کار رسانه های ما است مایه تأسف است و تصورمی کنم که از این ناحیه زیان می بینیم.

اهالی مطبوعات و دولت هردو از وضعیت جاری ناراضی هستند و به نظر می رسد شرایطی را فراهم آورده ایم که هیچ کداممان راضی نیستیم.

کلهر: ما اگر به وضع موجود راضی باشیم برای آینده تلاش نمی کنیم.

قوچانی: من آنقدر که فکر می کنید از شرایط موجود ناراضی نیستم. وقتی در دوره قبل روزنامه های ما بسته می شد هرگز ما را به رادیو دعوت نمی کردند، پس ما رشد کرده ایم و امیدواریم این رشد ادامه پیدا کند.

جوانفکر : در دوران بعد از انقلاب ما هیچ دولتی را نداشته ایم که مثل دولت نهم این حد محبوب و موردعلاقه مردم باشد و متأسفانه تا این حد مورد تهاجم رسانه های مکتوب قرارگیرد

قوچانی : از دولت خواهش دارم که به طور مشخص یارانه ها را قطع کند آن روزنامه ای که ۵ هزار تا تیراژ دارد و با درآمد ناشی از محل آگهی های ثبت منتشر می شود تعطیل شود بهتر است

ابطحی: رسانه باید اشکالات و مشکلات را به گونه ای منعکس کند که برآیندش این نباشد که با دولت دعوا دارد، حتی اگر گرایش سیاسی آن با دولت های مختلف تفاوت داشته باشد

کلهر : بعد از رأی آوردن دکتر احمدی نژاد ، ایشان به صورت خیلی شفاف گفتند که به هیچ وجه نمی خواهم تعامل ما با رسانه ها به معنای تأیید و ستایش کارهایم باشد و بلکه از بسیاری این نقدها که می تواند ناروا باشد می خواهم برای اصلاح و تصحیح راه و روش خودم بهره بگیرم